

# گذری اجمالی بر رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی

دکتر اصغر نوروزی آورگانی

دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی - دانشگاه اصفهان

## چکیده

توسعه روستایی نه تنها به دلیل سکونت تعداد چشمگیری از جمعیت در روستاها، بلکه به منظور دستیابی همه جانبه به توسعه ملی امری ضروری و اساسی است. از طرف دیگر پیچیدگی مسئله توسعه روستایی تلاش همه جانبه‌ای از طرف دولت، کارگزاران و مردم را ایجاد می‌کند. آنچه مسلم است این که روستاهای مختلف از نظر داشتن امکانات، زیرساخت‌های محیطی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با هم تفاوت دارند. بنابراین توصیه یک مدل یا راهبردی واحد و کنار آمدن برای توسعه روستایی ممکن نیست و هر جامعه‌ای باید متناسب با شرایط و اولویتها، رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی متفاوتی را در پیش گیرد.

هدف کلی در این مقاله، بررسی رویکردها و راهبردهای عمده توسعه روستایی بویژه در دنیای در حال توسعه اعم از راهبردهایی که جهت‌گیری اجتماعی یا اقتصادی دارند و همچنین راهبردهای فضای می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش اسنادی است و از مطالعات کتابخانه‌ای و منابع الکترونیکی بهره جسته‌ایم. در این مطالعه ابتدا شرح مختصری در مورد توسعه روستایی ارائه و سپس رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی از دیدگاه‌های مختلف تشریح گردیده است.

از بررسی‌ها و مطالعات انجام گرفته در این خصوص، می‌توان چنین نتیجه گرفت که رویکردی می‌تواند در جوابگوی نیازها و سوق دادن روستا به سمت توسعه پایدار روستایی موفق باشد، که بر دوام و پایداری توسعه تأکید داشته و در عین حال معیارهای آن دائمی، همه جانبه و فرا تر از توجه به زمان حال و نیازهای امروز باشد.

**واژه‌های کلیدی:** توسعه، توسعه روستایی، رویکردها و راهبردهای توسعه، کشورهای در حال توسعه.

## ۱- مقدمه

توسعه و به طور اخص توسعه روستایی در هر کشور و سرزمینی به برنامه‌ریزی منسجم و هماهنگ نیازمند است. انسجام در برنامه‌ریزی نیز در سایه اتخاذ سیاست‌هایی در قالب الگوهای معین ممکن می‌شود. الگوهایی که برگرفته از ایدئولوژی حاکم و مورد پذیرش بهره‌مندان از توسعه باشد. تقلید در الگوهای توسعه روستایی بدون آنکه هماهنگی آن با شرایط داخلی مدنظر باشد دشوار بوده و یا در صورت اجرا نتایج پیش‌بینی نشده‌ای را به دنبال دارد؛ ولی این به آن معنی نیست که هیچ کشوری نتواند از سیاست‌های کشورهای دیگر اقتباس کند، بلکه الگوبرداری از کشورهایی که ویژگیهای مشابه دارند و یا استفاده از الگوهای متفاوت و اصلاح آن، می‌تواند با موفقیت همراه باشد. (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱، ص ۵۸) بنابراین تجربه‌ها و دست آوردهای جوامع مختلف می‌تواند راهنما و سرمشق‌های ارزشمندی

۳۶ / دوره بیستم، شماره هفتاد و هفتم

برای سایر جوامع باشد و با این تجربیات و دست آوردها بایستی با درایت کامل برخورد نمود، پذیرفتنی‌ها را پذیرفت، بومی کرد و بکار بست. توسعه روستایی یکی از دست آوردها و تجربیات از این مقوله است. برنامه‌ریزی توسعه روستایی از آن رو که با یکی از بومی‌ترین بخشهای جامعه ارتباط دارد، بسیار پیچیده و منحصر به شرایط و ویژگیهای محلی است ولی از سویی همین پیچیدگی و سختی برنامه‌ریزی و ایجاد تغییر در زندگی و ساختارهای اجتماعی - اقتصادی ریشه‌دار روستاییان، استفاده از تجربیات دیگر جوامع را اجتناب‌ناپذیر و ضروری می‌سازد. (نوروزی، ۱۳۸۵، ص ۶)

از آنجا که ایران طی دهه‌های اخیر الگوهای متفاوتی از توسعه را اقتباس و عملی کرده، اما با توجه به تفاوت در تفکرات، ایدئولوژیها، شرایط محیطی، عدم نگرش سیستمی و متناسب با شرایط ایران، در عین داشتن موارد مثبت در این الگوها، همراه با موفقیت نبوده‌اند و در رابطه با عمران و توسعه بویژه در سطح روستاها با تمامی این کوششهای انجام گرفته، هنوز راه توسعه روستایی هموار نگردیده است. قبل از جنگ دوم جهانی مدل کشورهای آمریکا، آلمان، ژاپن و بعد کره و الان هم چین، هند، مالزی و... را در حال تجربه و عملی کردن می‌باشیم. بنابراین هدف ما در این پژوهش، ارائه راهبرد مناسب توسعه روستایی برای ایران نیست؛ بلکه هدف، گذری اجمالی بر رویکردها و راهبردهای اصلی توسعه روستایی از گذشته تا به حال با دیدی تحلیلی و با تأکید بر کشورهای در حال توسعه است.

## ۲- طرح مسئله

روستا و روستانشینی مقوله‌ای نیست که تنها مربوط به جهان سوم باشد. بلکه محدوده‌اش کشورهای اروپایی و سایر کشورهای پیشرفته را نیز در بر می‌گیرد و به پهنای کره زمین وسعت دارد. با این همه، آنچه به عنوان معضل روستا و روستانشینی مطرح می‌شود مربوط به کشورهای جهان سوم است. (پاپلی یزدی و رجعی سناجودی، ۱۳۸۲، ص ۵۵) با رشد سریع صنعت، فناوری و تکنولوژی در سده‌های اخیر، محرومیت، عقب ماندگی و توسعه نیافتگی مناطق روستایی بویژه در کشورهای در حال توسعه بیشتر آشکار گردید. به دنبال افزایش فقر عمومی، پایین بودن سطح درآمد، عدم برخورداری از خدمات اجتماعی و رفاهی و آسیب پذیرتر شدن روستاییان نسبت به جوامع شهری، لزوم توجه به برنامه‌ریزی روستایی و انتخاب الگویی مناسب در این زمینه ضرورت می‌یابد. بنابراین به دنبال این ضرورت‌های اساسی در دهه‌های اخیر و افزایش معضلات فوق‌الذکر تفکر و اندیشه‌ی «برنامه‌ریزی توسعه روستایی» مطرح می‌شود و انتخاب راهبردی

مناسب و متناسب با شرایط داخلی جهت هموار نمودن مسیر توسعه روستایی اهمیت اساسی می‌یابد.

### ۳- روش تحقیق

جهت رسیدن به اهداف مورد نظر در تحقیق، از اطلاعات موجود و قابل دسترس کتابخانه‌ای و الکترونیکی استفاده گردیده است. لذا روش مطالعه به طریق اسنادی و نوع مطالعه توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

### ۴- توسعه روستایی

با توجه به اهمیتی که مفاهیم در فرآیند کار دارند، به اجمال به تعریف توسعه روستایی می‌پردازیم:

- توسعه روستایی یک اصطلاح میان رشته‌ای است و از آن تعاریف متعددی متناسب با هدف ارائه دهندگان، عنوان شده است. عده‌ای توسعه روستایی را به مثابه توسعه ملی تعریف و عده‌ای نیز بر مفهوم توسعه محدود به محیط روستا تأکید دارند. بانک جهانی در دهه ۷۰ «توسعه روستایی» را چنین تعریف می‌کند: یک استراتژی است که برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم که همان روستائیان فقیرند، طراحی می‌شود. این استراتژی در پی گسترش دادن منافع توسعه در بین فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش هستند. از نظر بانک جهانی، فقرای روستایی شامل کشاورزان خرده‌پا، اجاره‌نشینان و خوش‌نشینان می‌شود. (لی و چودری، ۱۳۷۰، ص ۵۸)

میسرا معتقد است که توسعه روستایی صرفاً به معنی توسعه کشاورزی نیست. همچنین موردی از رفاه اجتماعی هم نمی‌باشد که با تزریق پول به مناطق روستایی جهت رفع نیازمندیهای اولیه و اساسی انسانی مرتفع گردد، بلکه توسعه روستایی، طیف وسیعی از فعالیتهای گوناگون و وسیع انسانی را شامل می‌شود که مردم را به ایستادن روی پای خود و از میان برداشتن ناتوانیهای ساختاری موجود قادر سازد؛ ناتوانیهایی که آنها را قرن‌ها و نسلها در شرایط نامساعد زندگیشان به صورت اسیرنگه داشته است. (میسرا، ۱۳۶۵، ص ۱۱) دکتر ازکیا توسعه روستایی را بهبود شرایط زندگی توده‌ها و فقر کم درآمد ساکن روستا و خودکفا ساختن آنها می‌داند. (ازکیا، ۱۳۷۴، ص ۲۰۳) همچنین توسعه روستایی را یک استراتژی برای اصلاح وضع اقتصادی و اجتماعی گروه‌های خاصی از مردم که قشرهای فقیر جامعه بشمار می‌روند، تعریف کرده‌اند. (شهبازی، ۱۳۷۲، ص ۱۶) از دیدگاهی دیگر توسعه روستایی، علاوه بر اینکه به منظور تأمین زندگی بهتر و بالا بردن فرآورده‌های روستائیان از طبیعت صورت می‌گیرد، باید حراست از پایه‌های اکولوژیکی را در برابر فشار ناشی از افزایش جمعیت و توسعه تکنولوژی برعهده گیرد. (رجایی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۹) اما به طور کلی توسعه روستایی، فرآیند توسعه دادن و مورد استفاده قرار دادن منابع طبیعی و انسانی، تکنولوژی، تسهیلات زیربنایی، نهادها و سازمانها، سیاستهای دولت و برنامه‌ها به منظور تشویق و تسریع رشد اقتصادی در مناطق روستایی جهت ایجاد شغل و بهبود کیفیت زندگی روستایی برای ادامه زندگی و پایداری حیات است. این جریان علاوه بر رشد اقتصادی، درگیر تغییرات در طرز تلقی و در بسیاری موارد حتی شامل تغییر در عادات و

اعتقادات مردم می‌باشد؛ زیرا جریان توسعه روستایی در برگیرنده تمامی قدم‌های تغییر است که به وسیله آن یک سیستم اجتماعی روستایی از شرایط زندگی که غیرمطلوب به نظر می‌رسد، به طرف شرایط مطلوب مادی و روحی حرکت می‌کند. در یک کلام توسعه روستایی جریانی است که مردم روستایی را هدایت می‌کند تا توان خود را جهت کنترل بر محیط خویش بالا ببرند. این جریان با توزیع بیشتر منافع بین مردم که خود نتیجه چنان کنترلی بر محیط است همراه می‌شود. (حسینی ابری، ۱۳۸۳، صص ۲۶۵-۲۶۰)

### ۵- رویکردها و راهبردهای توسعه روستایی

گرچه کشورها عمدتاً از لحاظ اهداف، سیاستها و ایدئولوژیها در زمینه‌های گوناگون با یکدیگر متفاوت‌اند، اما با این وجود دو شیوه کلی برنامه‌ریزی روستایی در جهان سوم وجود دارد. اول شیوه‌ی «بهبود» (استراتژی تکنوکراتیک و اصلاح طلبانه) که هدف آن تشویق توسعه کشاورزی در درون نظامهای تولید دهقانی موجود می‌باشد؛ دیگری شیوه‌ی «دگرگون سازی» (استراتژی رادیکال) که کوششی است در جهت برقراری اشکال جدید کشاورزی و سازمان اجتماعی و اساساً به دگرگونی نظامهای دهقانی موجود از لحاظ اندازه مزارع، شیوه‌های تولید و ساخت اجتماعی و حقوق می‌پردازد. جدول شماره ۱ (ازکیا، ۱۳۸۴، صص ۲۴۶-۲۲۸) راهبرد بهبود بعد از جنگ جهانی دوم، با توجه به تجربه مدل غربی توسعه و با تأکید بر جنبه‌های تکنوکراتیک مدل رشد، بازار آزاد و ایدئولوژی سرمایه داری مطرح گردید و راهبرد دگرگون سازی و رادیکال از دهه ۱۹۶۰ به دنبال انتقاد از راهبردهای قبلی ظاهر شد. (شکوری، ۱۳۸۴، ص ۷۹)

بنابراین هر چند راهبردهای توسعه روستایی ممکن است با عنوانهای خیلی کلی، گروه‌بندی شوند اما بیشتر کشورهای جهان سوم سیاستهایی را که برخوردار از عنصر تکنوکراتیک یا فن مداری قوی هستند پذیرا گشته‌اند. هدف عمده این سیاستها افزایش بهره‌وری خصوصاً در بخش کشاورزی است. این محور انقلاب سبز است. چنین شیوه‌ای (سیاست‌های تکنوکراتیک) جایگزین ساختارهایی می‌شود که از نابرابری درآمدها و دسترسی به منابع حمایت می‌کند. در نتیجه بویژه در مراحل اولیه، چنین سیاستهایی به نفع زارعان ثروتمندتر تمام می‌شود. این راهبرد گاهی اوقات براساس دوعلت توجیه می‌شود؛ اول: به حداکثر رساندن رشد کشاورزی و دوم: تعدیل ثروت و منابع، که پرهزینه و از لحاظ سیاسی غیرقابل قبول خواهد بود. راهبردهای بنیادی (رادیکال) بر تغییرات عمده‌ی اجتماعی متکی بوده و ضمن نپذیرفتن شیوه سرمایه‌داری (کاپیتالیستی) در برقراری شکلی از اشکال سوسیالیسم تلاش می‌کند. این شیوه‌ی انقلابی مبتنی بر پذیرش علل ساختاری فقر بوده است. بنابراین در اولین مرحله‌ی از بین بردن فقر، باید فرایندهایی که باعث تداوم فقر بوده‌اند از میان برداشته شوند. در سالهای اخیر بیشترین توجه این راهبرد معطوف برنامه‌های توسعه روستایی کشورهای سوسیالیست مخصوصاً چین و کوبا بوده است. (دیکسون، ۱۳۷۶، صص ۶۰ و ۶۱) هدف اصلی این راهبرد، نیل به تغییر اجتماعی سریع و توزیع قدرت سیاسی بود و به اهداف اجتماعی نسبت به اهداف اقتصادی اولویت بیشتری می‌داد. نفع بران اصلی این راهبرد دهقانان خرده‌پا و نیروی کار بی‌زمین بودند. اما به دلیل اولویت دوره بیستم، شماره هفتاد و هفتم / ۳۷

جدول ۱: انواع شیوه‌های توسعه روستایی

کشورهای نمونه	ایدئولوژی	وضع مالکیت اراضی	استفاده کنندگان عمده	اهداف	شیوه توسعه
فیلیپین، برزیل	سرمایه داری	مالکیت بزرگ خصوصی، شرکتهای لاتیفوندا، سیستمهای اجاره‌ای	مالکین بزرگ	افزایش تولید	تکنوکراتیک
مصر، مکزیک	ملی‌گرا	بهره‌برداری خانوادگی، تعاونیها	دهقانان متوسط، زارعان پیشرو	توزیع مجدد درآمد و ثروت، افزایش تولید	اصلاح طلبانه
چین، کوبا، الجزایر	سوسیالیسم	مالکیت جمعی، کمونها، مزارع دولتی	دهقانان خرده‌با، کارگران کشاورزی بدون زمین	دگرگونی اجتماعی، توزیع مجدد قدرت سیاسی، ثروت و افزایش تولید	رادیکال

مأخذ: ازکیا، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷

در آن زمان با توجه به اینکه بیشتر مردم کشورهای جهان سوم در مناطق روستایی زندگی می‌کردند، اغلب آنها به کشاورزی مشغول و اکثریتشان فقیر بودند، از این رو دادن اولویت به توسعه کشاورزی نیاز چندانی به استدلال نداشت، (گریفین، ۱۳۷۵، ۱۹۵) این راهبرد (انقلاب سبز) دارای دو معنای نسبتاً متفاوت است: یکی به معنی دگرگونی کلی در بخش کشاورزی، به طوری که این تحول باعث کاهش کمبود مواد غذایی در کشور و مشکلات کشاورزی گردد؛ دیگری به معنی بهبود نباتات خاص (بویژه گسترش انواع بذر اصلاح شده و تولید زیاد آنها) است. (میسرا، ۱۳۶۷، ص ۲۵)

بنابراین پدیده انقلاب سبز بر اثر رشد قابل ملاحظه تولید دانه‌های غذایی در نتیجه استفاده از بذر و نهاده‌های جدید تولید کشاورزی در بخشی از هند، پاکستان، تایلند، فیلیپین و برخی از نواحی آمریکای جنوبی به وقوع پیوست. اثر بکارگیری نهاده‌های جدید به حدی بود که کشور هند که در سالهای میانی دهه ۱۹۶۰ با کمبود شدید مواد غذایی و قحطی روبرو بود، در اوایل دهه ۱۹۸۰ شروع به صادرات برنج به بازارهای دنیا کرد. (جمعه پور، ۱۳۸۵، ص ۷۹)

اما با این وجود براساس مطالعات میسرا، «انقلاب سبز» باعث کاهش مهاجرت‌های روستایی نشده و بعضاً باعث بروز اختلافاتی مابین نواحی روستایی نیز شده است. به عبارتی بسیاری از کشورهای کم توسعه یافته راهبردی را برای توسعه روستایی انتخاب و از آن پیروی کرده‌اند که اصلی‌ترین هدف اقتصادی آن افزایش بازده کشاورزی بوده است. تأثیر اساسی اتخاذ جدی این راهبرد در چندین کشور در حال توسعه، بوجود آمدن به اصطلاح «انقلاب سبز» بود؛ ولی این راهبرد نتوانست شرایط زندگی فقرای روستایی را بهبود بخشد. البته نه به این خاطر که ذاتاً برنامه غلط و نامناسبی بود، بلکه به دلیل این واقعیت که دولت‌ها، سایر راهبردهای توسعه روستایی را با همان تعهد و جدیت دنبال نکردند و از برنامه‌های اصلاحات ارضی، صنعتی کردن روستا و سایر اصلاحات نهادی روستایی عقب ماندند و این وضع منجر به اثرات نامساعد در زندگی زارعین بی‌زمین و کوچک گردید. (میسرا، ۱۳۶۷، ص ۲۵)

یکی دیگر از جنبه‌های حاصل از راهبردهای توسعه روستایی از رویکردهای اقتصادی، «اصلاحات ارضی» بود؛ که تأثیر عمده‌ای در ساخت طبقات اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی به جای گذاشته است. این راهبرد که از دهه ۵۰ و ۶۰ ارائه گردید، به هر نوع تغییری که در وضع زمینداری ایجاد شود و موجب بهره‌برداری بهینه از اراضی کشاورزی و

پایینی که به فناوری جدید داده می‌شد، رشد خیلی پایین بود. (شکوری، ۱۳۸۴، ص ۴۳) شیوه‌های اصلاح‌گرا (استراتژی رفرمیست) اساساً حد متوسطی از استراتژیهای فن مدار و بنیادی برای ایجاد تحول هستند. چنین سیاستهایی اشکال متنوعی به خود می‌گیرد، اما در اصل همه‌ی آنها شامل تلاشهایی برای تعدیل قدرت، درآمد و دسترسی به منابع‌اند. (دیکسون، ۱۳۷۶، صص ۶۰ و ۶۱) ایدئولوژی حاکم بر این راهبرد غالباً ملی‌گرایانه و گاهی مردم‌گرایانه است؛ با این وجود، بروکراسی ابزار عمل اصلی است و در موارد خاص کوشش می‌شود مشارکت مردم در توسعه روستایی از طریق احزاب سیاسی دولتهای محلی و تعاونیها بدست آید. با این وجود ذی‌نفعان این سیاست زمین‌داران بزرگ و متوسط بوده‌اند. (شکوری، ۱۳۸۴، ص ۴۲)

بنابراین واضح است که، کشورها و مناطق مختلف جهان، متناسب با شرایط و اولویتهای، رویکردها و استراتژی‌های توسعه روستایی متفاوتی را در پیش گرفته‌اند و قطعاً نمی‌توان بدون در نظر گرفتن تجربیات جهانی در این زمینه و با تمرکز صرف بر برخی برنامه‌های خاص در روستاها و بدون در نظر گرفتن استراتژی توسعه روستایی، توفیق چندانی که پایدار و ماندگار نیز باشد بدست آورد.

با بررسی تجارب و سوابق کشورهای گوناگون در برنامه‌ریزی توسعه روستایی از دهه ۱۹۵۰ تاکنون می‌توان رویکردها و راهبردهای مورد استفاده در این زمینه را تفکیک و مشخص کرد. به طوری که رویکردهای بکار رفته را به چهار گروه طبقه‌بندی و متناسب هر رویکرد راهبردهای متعددی ذکر کرد. (رضوانی، ۱۳۸۳، ص ۹۲) هر چند مدل‌های رایج برای توسعه روستایی، با توجه به اینکه از چه دیدگاهی ارائه شده باشد متفاوت‌اند (هجرتی، ۱۳۷۹، ص ۲۵) و کشورها نمی‌توانند آزادانه سیاستها و خط‌مشی‌هایی را که به اصطلاح در کشوری توفیق داشته، بکاربرند؛ اما با این وجود اقتباس سیاستهای توسعه حداقل از کشورهایی که دارای ویژگیهایی مشابه‌اند، امکان‌پذیر می‌باشد. (ازکیا، ۱۳۸۴، ص ۲۲۶)

## ۱-۵- رویکردهای اقتصادی

### الف) راهبرد توسعه کشاورزی (انقلاب سبز) و راهبرد اصلاحات ارضی

راهبرد توسعه کشاورزی از دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ارائه شده و هدف آن افزایش تولید و بهره‌وری بدون تغییر بنیادی در نظام حقوقی و اجتماعی بوده است.

توزیع مجدد زمین گردد، اطلاق می‌شود.

تصمیم درباره اجرای اصلاحات ارضی ناشی از مشکلات فزاینده جامعه کشاورزی، از جمله شکاف عمده در توزیع زمین میان اقشار مختلف اجتماعی و یا نگرانیهای سیاسی حاصل از تهدید یا تصرف اراضی بزرگ مالکان توسط جامعه دهقانی است. (ازکیما، ۱۳۸۴، ص ۲۵۸) بنابراین اکثر کشورهای جهان، برای گذر از یک ساخت ارضی به ساختی دیگر، اصلاحات ارضی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی خود گنجانده‌اند. به عبارت دیگر، تجدید ساختار تولید و توزیع مجدد منابع اقتصادی را از اهداف عمده برنامه‌های توسعه روستایی خویش قلمداد نموده‌اند.

### ب) راهبرد توسعه صنعتی

از آنجاکه کشاورزی فی‌نفسه دیگر نمی‌توانست به اندازه کافی از مناطق پرجمعیت روستایی حمایت کند و صرف زراعت نمی‌تواند اشتغال کافی و سودمندی را برای جمعیت روستایی فراهم کند، لذا نیاز به جایگزینی با عنوان توسعه صنعتی روستاها، ملحوظ شد. (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۵، صص ۵ و ۶) ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی و طرح آن به عنوان مکمل و پشتیبان کشاورزی و همچنین جانشینی نیرومند برای جذب نیروهای کار مازاد بر فعالیتهای بخش کشاورزی در مناطق روستایی و بعلاوه تأمین بخشهایی از نیازهای صنایع بزرگ از هدفهای اساسی ایجاد و توسعه صنایع روستایی است. بنابراین می‌توان گفت، صنایع کوچک و روستایی یقیناً تولید مقدار زیادی از کالاهای مصرفی و کالاهای تولید ساده را تسریع نموده، امکان اشتغال را افزایش داده و باعث رشد استعدادها و علاقه کاری می‌شوند و بکارگیری مؤثر آنها موجب گسترش فعالیتهای صنعتی و ترقی روزافزون خواهد شد. (راثو، ۱۳۶۶، ص ۷)

### ج) راهبرد توسعه‌ی توریسم روستایی

امروزه توسعه روستایی یکی از دغدغه‌های کشورهای دولتها بویژه کشورهای در حال توسعه است. روستاها با دارا بودن منابع طبیعی پایه کشاورزی، با مسائل و مشکلات فراوانی مثل فقر، بیکاری، پایین بودن نرخ بهره‌وری در بخش کشاورزی و بخش تولیدات روستایی از یک سو و تخریب منابع طبیعی از سوی دیگر مواجه هستند که توسعه روستایی و ایجاد اشتغال پایدار در روستاها را تا حدی غیرممکن ساخته است. این مسائل لزوم توجه به راه‌حلها و گزیدارهای دیگر اقتصادی در کنار سایر راهبردها (مثل توریسم) را برای کمک به توسعه روستاها با هزینه کم مطرح می‌سازد. (موسوی، ۱۳۸۳، صص ۶۹-۶۳) از طرفی امروزه تراکم بیش از حد جمعیت، آلودگی‌های صوتی و هوا، دست به دست هم داده و پدیده‌ای به نام شهرگریزی را به وجود آورده و مردم برای رهایی از این شرایط به دنبال اماکنی هستند که بتوانند مدتی را در طبیعت همراه با آرامش و هوای پاک سرکنند. بنابراین محیط طبیعی روستا می‌تواند محلی مناسب برای این منظور باشد. (شهابی، ۱۳۸۲، ص ۳۲)

لذا سیاستگذاران و برنامه‌ریزان برای گردشگری به چشم «صنعتی که ثبات اقتصادی و جمعیتی را برای جوامع روستایی به دنبال دارد» می‌نگرند؛ و بسیاری هم می‌پندارند، توسعه گردشگری راه حل بسیاری از مشکلاتی

است که مناطق روستایی گرفتار آن هستند. پس گردشگری عنصر لازم برای حرکت به سوی اصلاح نواحی روستایی است (جولیا شاریلی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۹) و لازم است به عنوان وسیله‌ای که به جوامع روستایی حیات دوباره می‌دهد و با تأمین منابع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روان شناختی، به توانمندسازی جوامع روستایی می‌پردازد، نگریسته شود.

### ۵-۲- رویکردهای اجتماعی الف) راهبرد تأمین نیازهای اساسی<sup>(۳)</sup>

این راهبرد از دهه ۷۰ با هدف رفع نیازهای اساسی فقیرترین قشر جمعیت کشورهای در حال توسعه ارائه شده و تغذیه بهتر، آب آشامیدنی سالم، لباس و مسکن مناسب، آموزش و خدمات پزشکی را جزء نیازهای اساسی معرفی کرده است. (موسی کاظمی و بدری، ۱۳۸۳، ص ۲۰۲) با شکست در بهبود بخشیدن به وضع رفاهی مردم حتی در کشورهایی که دارای رشد اقتصادی سریعی بودند، تأکید به تأمین نیازهای اساسی مردم فقیر به عنوان هدف اولیه توسعه، معطوف گردید.

از آنجا که اکثریت مردم فقیر در مناطق روستایی زندگی می‌کردند، مفهوم تأمین نیازهای اساسی، نهایتاً توسعه روستایی بود و پیشنهاد گردید که تصویر کلی توسعه بر چهار اصل اساسی قرار داده شود: اول اینکه مسئله مهم توسعه تحت عنوان یک مبارزه آگاهانه با بدترین شکل فقر، باید مجدداً تعریف گردد. ثانیاً، برنامه‌ریزی مصرف باید نقش محوری به خود گرفته و برنامه‌ریزی تولید به آن مرتبط گردد. ثالثاً، لازم است به تولید بیشتر و توزیع بهتر در کنار یکدیگر توجه بیشتری مبدول گردد. رابعاً، لازم است اشتغال به عنوان یک هدف اولیه مطرح گردد. (میسرا، ۱۳۶۷، ص ۲۶)

با وجود بحثهای گوناگون در مورد اینکه نیازهای اساسی چه چیزهایی را در برمی‌گیرد، دولتهای اغلب کشورهای در حال توسعه، مجذوب مفهوم کلی این نظریه گردیدند و اهمیت زیادی برای آموزش ابتدایی، امکانات اولیه بهداشتی، آب آشامیدنی، راههای روستایی، مسکن روستایی، برق رسانی به روستاها و... قائل شدند. با وجود این که راهبرد نیازهای اساسی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی تأثیر گذاشت، اما نتوانست علت اساسی فقر را از بین ببرد بلکه مبارزه آن با آثار فقر بود که البته کم و بیش با موفقیت‌هایی نیز همراه بود. (میسرا، ۱۳۶۷، ص ۲۶)

برای بررسی اثر نیازهای اساسی بر رشد و تولید اقتصادی، کوششهای بسیار شده است. گروهی آن را لازمه‌ی دستیابی به توسعه می‌دانند و معتقدند که بهبود نیازهای اساسی باعث بالا رفتن کیفیت و کارایی نیروی انسانی می‌شود. گروهی دیگر آن را گام توسعه نیافتگی می‌دانند و معتقدند که باعث افزایش هزینه‌های مصرفی و کاهش سهم سرمایه‌گذاری در بخش تولید می‌گردد. تجربه‌ی چین به عنوان نمونه‌ای موفق و تجربه‌ی ایران به عنوان نمونه‌ی ناموفق در این زمینه مثالهای خوبی است. (جمعه پور، ۱۳۸۵، ص ۹۲)

### ب) راهبرد مشارکت در توسعه روستایی

از دهه‌ی ۱۹۷۰ توجه و علاقه‌ی فزاینده‌ای به رویکردهای مشارکتی با هدف تکمیل سایر راهبردها بوجود آمد. از این دیدگاه، مردم هم وسیله‌ی دوره بیستم، شماره هفتاد و هفتم / ۳۹

توسعه هستند و هم هدف آن طرح‌های توسعه روستایی چه به لحاظ ماهیت طرح‌ها و چه به خاطر محدودیت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع هستند. در این استراتژی باید با تلفیق مناسب رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا، امکان مشارکت گسترده مردم را در فرآیند توسعه روستایی فراهم آورد.

محورهای اصلی این استراتژی عبارتند از: ۱- تأکید بیشتر بر نیازهای مردم ۲- تشویق و افزایش مشارکت مردم در هر مرحله از فرآیند برنامه‌ریزی ۳- بسط و ترویج سرمایه‌گذاری‌های کوچک، که مردم قادر به اجرای آن باشند ۴- کاهش هزینه‌های مردم و در مقابل افزایش درآمد‌های آنان ۵- تشویق مردم در جهت تداوم و نگهداری پروژه‌های توسعه.

این برنامه اهداف توسعه اقتصادی و سیاسی را توأمأ شامل می‌شد و نوید می‌داد که هم پایه‌های نهادهای دموکراتیک را بنا کند و هم بدون تحولات انقلابی در نظم سیاسی و اقتصادی موجود در تأمین رفاه مادی روستاییان مشارکت نماید. (راتن، ۱۳۷۲، ص ۳)

بنابراین مشارکت در حکم وسیله‌ای برای گسترش و توزیع دوباره فرصت‌ها با هدف اتخاذ تصمیم‌های جمعی، همیاری در توسعه و بهره‌مندی همگانی از ثمرات آن است، که می‌تواند در تمامی مراحل مختلف تصمیم‌گیری، اجرا (عملیات، مدیریت و اطلاع‌رسانی)، تقسیم منافع و ارزیابی وجود داشته باشد.

### ج) راهبرد توسعه اجتماعات محلی (توسعه جامعه‌ای) (۴)

این راهبرد در دهه اول پس از جنگ جهانی دوم و در خلال سالهای ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ به عنوان مؤثرترین روش کاهش فقر، توجه سازمانهای کمک‌کننده توسعه و حکومت‌های ملی را به خود معطوف داشت، تا از طریق نهادهای محلی، اجتماعات روستایی به بسیج منافع موجود خود برای رشد و ارتقاء سطح زندگی اقدام کنند. این راهبرد راهکاری مؤثر در مقابل نفوذ سوسیالیسم نوظهور در کشورهای توسعه نیافته تلقی می‌شد و دارای سه ویژگی عمده بود: ۱- ایجاد زمینه مشارکت مستقیم مردم در حل مشکلات اجتماع محلی ۲- تأکید بر دموکراتیک بودن فرآیند حل مشکل توسط مردم ۳- فعال‌سازی مردم محلی و کمک به حل مشکلات آنان از طریق معرفی فناوری جدید. (خاتون آبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰) این راهبرد بر نهادهای محلی و بسیج امکانات و منابع محلی تأکید می‌کند. (رضوانی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۷)

### د) راهبرد رخنه به پایین

این راهبرد در طی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با هدف کاهش فقر و مبتنی بر اثر قطره‌ای یا تراوش ارائه گردید. بر پایه این روش نیروی کار از بخش معیشتی روستایی به داخل بخش صنعتی شهری مدرن منتقل می‌گردد. همچنین سرمایه‌گذاری در مناطق خاص و توسعه منطقه‌ای با هدف اثرگذاری بر مناطق حاشیه‌ای از راههای دیگر راهبرد رخنه به پایین بود، که اساساً در مناطق روستایی با شکست مواجه شد. این رهیافت عمدتاً موجب برخورداری مناطق ویژه و گروه‌های خاصی از روستاییان و افزایش فاصله بین طبقه‌های اجتماعی گردید. (خاتون آبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۲)

## ۵-۳- رویکردهای کالبدی - فضایی (فضایی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای)

با پایان دهه‌ی ۱۹۶۰، در اکثر کشورهای جهان سوم، راهبردهای توسعه بر پایه یک جداسازی دقیق بخشی<sup>(۵)</sup> استوار بودند و در آغاز به اصطلاح بنیادگرایی صنعتی<sup>(۶)</sup> که به شدت از ایجاد یک بخش بزرگ مقیاس و نوین تولید صنعتی جانبداری می‌کرد، در همه جا چیره بود. بر اثر نتایج این رهیافت، بنیادگرایی کشاورزی<sup>(۷)</sup> روبه پیشرفت نهاد که بر افزایش بهره‌وری کشاورزی و تجاری کردن به عنوان پیش شرط رشد اقتصادی پایا<sup>(۸)</sup> تأکید می‌کرد. به علت ماهیت بخشی<sup>(۹)</sup> رهیافتهای بکار رفته، بعد فضایی طرح‌ریزی توسعه، مورد توجه قرار گرفت. (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۵، ص ۱۳۹) بنابراین می‌توان گفت رویکردهای کالبدی-فضایی به دنبال ایجاد نابرابریهای فضایی - مکانی حاصل از راهبردهایی که تنها تأکید بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی داشتند، مطرح گردیدند و پس از مدتی آنچنان توجه صاحب نظران مباحث توسعه را به خود جلب کرده که به عنوان مسئله مهم در بحث برنامه‌ریزی توسعه مطرح شدند.

### الف) راهبرد توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی

توسعه و بهبود زیرساخت‌های روستایی (تسهیلات و خدمات بهداشتی، آموزشی و...) به عنوان سرمایه‌های عمومی و اجتماعی می‌توانند در بهبود شرایط و کیفیت زندگی و افزایش توانایی مردم از یک طرف و ارتقای کارایی زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان از طرف دیگر مؤثر باشند.

به بیانی، اگر موفق شدیم در یک برنامه‌ریزی جامع و با اهداف خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی و با بسیج تمامی امکانات، سطح تولید را در مناطق روستایی به چنان سطحی برسانیم که توازن در درآمد خانوارهای ساکن در مناطق روستایی و شهری بوجود آید ولی در ارائه خدمات رفاهی نتوانیم بین مناطق مذکور توازنی را بوجود بیاوریم، جاذبه‌های شهری، روستائینان و به خصوص جوانان و تحصیل کرده‌های مناطق روستایی را به خود جذب خواهد کرد.

لذا شاید بتوان گفت که لازمه‌ی توسعه روستایی ارائه تأسیسات و خدمات بگونه‌ای است که ضمن رسیدن به خودکفایی در کشاورزی، جاذبه‌های لازم را جهت سرمایه‌گذاران به همراه داشته باشد. (شریف‌النسی، ۱۳۶۵، صص ۲۰، ۲۱ و ۳۱)

### ب) راهبرد برنامه‌ریزی مراکز رشد روستایی

تأکید بر برنامه‌ریزی مراکز رشد روستایی حاصل توجه مجدد به توسعه روستایی به عنوان بخشی از راهبرد نیازهای اساسی است که بر برابری بیشتر در توزیع منافع ناشی از تلاش برای توسعه ملی تأکید دارد. این راهبرد در جستجوی اتخاذ شیوه‌هایی است تا براساس آن نیازهای اساسی فقیرترین بخش از جمعیت، به درآمد و خدمات را در طول یک نسل برطرف سازد. (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۱، ص ۵) در این راهبرد سعی بر آن است تا از طریق برنامه‌ریزی فضایی، آشفتنگی فضایی و عدم تعادل در سطوح سکونتگاهها و سطح منطقه‌ای، که مانع پیشرفت برنامه‌های توسعه ملی است، ساماندهی شده، و از این طریق بهره‌وری از فضای سرزمین بهینه

شود. (جمعه پور، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱)

میسرا معتقد است که الگوی مراکز رشد مطلوبترین راهبرد توسعه برای جهان سوم می باشد. او پس از تبیین علل عقب ماندگی جهان سوم و عقب ماندگی روستایی این دسته از کشورها، اقدام به ارائه این الگو برای توسعه جهان سوم می کند. (حامد مقدم، ۱۳۷۲، ص ۷۱)

### ج) راهبرد توسعه روستا - شهری<sup>(۱۰)</sup>

مبنای این راهبرد که از مدل مرکز - پیرامون گرفته شده است، بر توسعه اگروپلینت معروف است. در این مدل مجموعه ای از روستاها و مزارع و شهر کوچکی با اختیار بر منابع و قدرت خودگردان بوجود می آید که مرکز این منطقه، شهر کشاورزی است. (رضوانی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۱)

ناحیه روستا - شهر، مانند شهر سنتی خدمات و وسایل آسایشی در خور مقیاس خویش را دارد که بر وضع موجود سطح توسعه فرهنگی و اقتصادی آن انطباق یافته است. مقدار زیادی اشتغال غیرکشاورزی دارد و دارای اختیارات خودگردانی است. به این معنی، نواحی روستا - شهری را می توان به طور حقیقی، شهرهای کشاورزی (شهر واقع بر کشتزارها) نامید؛ که از لحاظ جمعیت در حد متوسط قرار می گیرند. هر چند نواحی روستا - شهری ممکن است از یک مرکز شهری و جمعیت پراکنده روستایی تشکیل شده باشد. کلید موفقیت در توسعه روستا - شهری آن است که هر ناحیه، به صورت یک واحد یکپارچه ای منفرد تلقی شود. (فریدمن و داگلاس، ۱۳۶۳، ص ۶۲) بنابراین می توان گفت این راهبرد از پایان دهه ۱۹۷۰، در واکنش به زوال الگوهای توسعه و پس از استراتژی «نیازهای پایه» توسط سازمان جهانی کار (۱۹۷۶) مطرح گردید و برای درک بهتر این استراتژی باید الگوی «مرکز پیرامون» و استراتژی نیازهای پایه را دانست.

تحقیقات فریدمن<sup>(۱۱)</sup> (در آمریکای جنوبی) نشان داده است که می توان فضای زندگی را به دو بخش «مرکز» و «پیرامون» تقسیم نمود که رابطه بین این دو نظام، استعماری است و پیامد آن قطبی شدن در مرکز و حاشیه ای شدن در پیرامون است. استراتژی نیازهای پایه نیز چرخش آشکاری بود از استراتژی های متداول تولید محور، صنعت مدار و شهرگرا به سمت استراتژی های مردم محور، کشاورزی مدار و روستاگرا. استراتژی روستا - شهری بر مبنای الگوی مرکز - پیرامون (تجمع سرمایه و منافع در نقاط شهری) و متأثر از استراتژی نیازهای پایه (رفع فقر، ایجاد اشتغال، خوداتکایی و تأمین مایحتاج اصلی)، این محورها را برای توسعه مناطق روستایی پیشنهاد می کند: درون گرایی، حفاظت گرایی، خودگردانی (خودکفایی) و نهادینه سازی مشارکت.

به طور کلی روستا - شهر ناحیه ای است که در آن کشاورزی فعالیت اصلی است، به روش خودگردان و خودمختار اداره می شود و برنامه ریزها و انتخابات و سایر امور بوسیله خود مردم ناحیه صورت می گیرد و ناحیه ای با تراکم حداقل ۲۰۰ نفر در کیلومتر مربع و شهری با ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر را شامل می شود. (جمعه پور، ۱۳۸۵، ص ۱۰۸)

### د) راهبرد یوفرد

این راهبرد بر پایه نقش فعالیت ها و کارکردهای شهری در توسعه

روستایی (و منطقه ای) تعریف می شود که شامل این مراحل می گردد: تجزیه و تحلیل منابع ناحیه ای، تدوین نقشه تحلیلی منطقه، تحلیل نظام سکونتگاهی، تحلیل ارتباطات فضایی، تحلیل دسترسی ها (ارتباطات)، تحلیل شکاف عملکردی و تنظیم استراتژی های توسعه فضایی، تعیین نارسایی پروژه ها و برنامه های توسعه، بازبینی و نهادینه سازی تحلیل های فضایی در برنامه ریزی روستایی و ناحیه ای. این استراتژی با ارائه اطلاعات فراوان و ذی قیمت به سیاست گذاران و برنامه ریزان، آنان را در توزیع سرمایه گذاری ها در راستای یک الگوی متعادل جغرافیایی (اقتصادی و فیزیکی) یاری می دهد.

بر مبنای این استراتژی، وجود شهرک ها و مراکز کوچکی (به عنوان بازار محصولات کشاورزی)، که خدمات اجتماعی اولیه و امکانات عمومی را نیز در اختیار روستاییان قرار می دهند، بخاطر پیوندهای مابین خود و مناطق روستایی، می توانند به گونه ای بهتر به شکل گیری اسکلت مورد نیاز توسعه روستایی یاری رسانند. (<http://daneshnameh.roshd.ir>)

### ه) تجدید اسکان و یا مجتمع نمودن سکونتگاههای کوچک روستایی

این راهبرد با این فرض که از نظر اقتصادی خودکفا بوده و مسائل اداری را به نحو خوبی حل خواهند کرد، شکل گرفته؛ اما در عمل با مشکلات مالی و اداری فراوانی دست به گریبان شد. اغلب این طرح ها از طریق مداخله مستقیم دولت سازمان یافته و طرح هایی که در سطح محلی ابداع شده باشند معدوداند. بنابراین در این طرح به دلایل فراهم کردن حداقل امکانات رفاهی و کشاورزی، به جای اینکه طرح های سازمان یافته ای باشند، نوعی مهاجرت اجباری بوده اند. (ازکیا، ۱۳۸۴، ص ۲۴۷ و ۲۴۸)

کشورهایی مانند برزیل، اندونزی و مالزی این سیاست را در مناطق حاشیه ای اتخاذ کرده اند تا از این طریق فشار جمعیت بر زمین را در مناطق پر جمعیت کاهش دهند. برای مثال اندونزی در اولین برنامه پنجساله خود، در حدود ۲۵۰۰ خانواده را در ۲۹ منطقه، در جزایر کم جمعیت حاشیه ای، تجدید اسکان نمود. همچنین مالزی در ۲۰ سال قبل، آژانس فدرال توسعه زمین<sup>(۱۲)</sup> را به منظور اجرای طرح کاشت و پرورش درخت های کائوچو و تولید نخلهای روغنی و نیشکر تأسیس نمود. با اجرای این طرح ۴۱ هزار خانواده بر روی ۳۷۱۵۱۴ هکتار زمین تازه توسعه یافته، اسکان یافتند. گزارشهای متعدد در خصوص این طرح، بر موفقیت آن اشاره دارند، که نه تنها از جهت کند نمودن مهاجرت روستا - شهری، بلکه به طور کلی از نظر توسعه روستایی موفق بوده اند. بعلاوه پیشنهاداتی برای مجتمع نمودن سکونتگاههای کوچک روستایی شده است تا بتوان از این طریق به حیثیاتش تداوم بخشیده و آنها را مستعد رشد و ترقی ساخت.

اینگونه طرح های مجتمع سازی در دهه ۱۹۶۰، به طور ناموفق در ویتنام پیاده شد. تلاشهایی نیز در هند و چند کشور دیگر صورت گرفت، ولی این طرح در نظر مردمی که دخیل بودند چندان محبوبیتی کسب نکرد، چرا که از سکونتگاه روستایی - چه کوچک و چه بزرگ - عمیقاً در اکولوژی محلی و منطقه ای، طبیعی و اجتماعی ریشه دوانده است. مردم تمایل ندارند به سادگی تغییر مکان داده شوند، مگر اینکه از نظر آنها فواید جابجایی قابل توجه و چشمگیر باشد. (میسرا، ۱۳۶۷، ص ۲۳)

## ۵-۴- رویکردهای جامع

این رویکرد از دهه ۱۹۷۰ در نتیجه عدم موفقیت و ناکامی راهبردهای قبلی مطرح گردیده‌اند.

### الف) راهبرد توسعه همه جانبه (یکپارچه) روستایی<sup>(۱۳)</sup>

ناکامی و عدم موفقیت راهبردهای قبلی توسعه روستایی که به صورت بخشی و موضوعی عمل می‌کردند و بر جنبه‌های خاص توسعه اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی یا نهادی تأکید داشتند، به همراه گسترش فقر، محرومیت و تفاوت‌های طبقاتی در سطح جامعه‌ی شهری و روستایی به همراه پیچیدگی فرآیند توسعه، صاحب نظران مسائل برنامه‌ریزی و توسعه روستایی را به مطرح کردن راهبردی که همه جانبه باشد و بتواند مسائل روستا را به صورت سیستمی، جامع و همه جانبه و با یک نگرش کلی بررسی کند، هدایت کرد. این راهبرد که تحت تأثیر بهره‌گیری از دیدگاه‌های مختلف و نیز ظهور تفکر سیستمی بود، (ازکیا، ۱۳۸۴، ص ۲۷۶) در واقع هم هدف است و هم روش. هدف آن ممکن است بسیار گسترده (توسعه چند بخشی یا ناحیه‌ای) و یا بسیار محدود (توسعه گروه مورد نظر) باشد و می‌توان آن را به عنوان راهبردی مشخص برای توسعه روستایی انگاشت؛ همچنین به عنوان یک روش می‌کوشد که فعالیت‌های مرتبط با هم را یکپارچه کند، تا یکدیگر را تکمیل کنند. این راهبرد به عنوان روشی برای دستیابی به هدف، خواستار هماهنگی در مراحل برنامه‌ریزی و اجرا است. (عبدالحی، ۱۳۸۳، صص ۳۱ و ۳۲) این روش جامع‌تر و در بردارنده همه جنبه‌ها است، در حال حاضر متداول و در جستجوی افزایش بهره‌وری، ارتقاء کیفیت زندگی جوامع روستایی و پیشبرد و تقویت متکی بر خود می‌باشد. واترستون<sup>(۱۴)</sup> شش عنصر اصلی برای یک برنامه توسعه همه جانبه روستایی با دوام و ماندگار پیشنهاد کرده است که عبارتند از: توسعه کشاورزی کاربر، کارهای عمومی کوچک و اشتغال‌زا، تأسیس صنایع سبک و کوچک کاربر در مزارع و حواشی آنها، خودیاری و مشارکت محلی در تصمیم‌گیریها، توسعه یک نظام سلسله مراتب شهری برای پشتیبانی توسعه روستایی، امکانات نهادی مناسب و خود اتکاء برای هماهنگی پروژه‌های چند بخشی. (میسرا، ۱۳۶۷، صص ۲۷) سی امین کنفرانس منطقه‌ای فائو در آمریکای لاتین توسعه همه جانبه روستایی را مجموعه یکپارچه‌ای از کارهای هماهنگ و برنامه ریزی شده می‌داند که در سطوح مختلف توسط دولت، مؤسسات و خود مردم برای نیل به پیشرفت و توسعه پایدار در یک ناحیه روستایی دنبال می‌شود. (موسی کاظمی و بدری، ۱۳۸۳، ص ۲۰۳) بعلاوه این راهبرد به عنوان یک تمرین فنی - اداری<sup>(۱۵)</sup> است که تنها جزء بسیار کوچکی از فرضیه‌های توصیه شده آن در سطح بالایی اعمال می‌گردد، لیکن شکی نیست که حتی همین شکل سرو ته زده و ناقص، نشانگر شناخت فزاینده‌ای است که نسبت به ضرورت هماهنگی بیشتر در برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی بوجود آمده است. (میسرا، ۱۳۶۷، ص ۲۷) با این وجود اهداف اصلی توسعه‌ی همه جانبه روستایی به عقیده کارشناسان: فقرزدایی روستایی، مشارکت روستاییان در توسعه، نقش سازمانها در توسعه و بالاخره ارزیابی برنامه‌های توسعه روستایی در پذیرش این رهیافت از طرف روستاییان و موفقیت آن به عنوان راه حل اساسی توسعه روستایی است. (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۹۳)

### ب) راهبرد توسعه پایدار<sup>(۱۶)</sup>

گرچه اصطلاح توسعه پایدار در هنگام اعلامیه کوکویوک<sup>(۱۷)</sup> در خصوص محیط زیست و توسعه در اوایل دهه ۷۰ بکار برده شد و نیز ریشه آن به رویکرد توسعه اکولوژیک برمی‌گردد، (موسی کاظمی و شکوئی، ۱۳۸۱، ص ۲۹) لیکن توسعه پایدار با گزارش کمیسیون برانتلند در ۱۹۸۷ عنوان گردید و با اجلاس ریو در ۱۹۹۲ رواج عام و جهانی یافت. رواج این تفکر نتیجه سه دسته از عوامل اصلی بود: ۱- نتایج بدکارکردی اجرای سیاستهای تعدیل ساختاری که خود برای مقابله با بحران اقتصاد جهانی در دهه ۱۹۸۰ تدوین شده بود ۲- افزایش بی‌امان و وقفه‌ناپذیر فقر و گرسنگی و نابرابری در جهان ۳- تخریب نگران‌کننده محیط زیست و منابع طبیعی در نتیجه کاربرد تکنولوژیها (زاهدی، ۱۳۸۶، صص ۱۶ و ۱۷) این راهبرد (توسعه پایدار) که امروزه موضوع اصلی محافل توسعه و برنامه‌ریزی است، خود بر آیند انگاره‌های مختلف توسعه است؛ اما نکته مشترک تمامی انگاره‌ها پایداری و رسیدن به فرایندی از توسعه است که بتواند پایا و با دوام باشد. (جمعه‌پور، ۱۳۸۵، ص ۶۲)

در واقع این راهبرد، مدل تکمیلی و نهایی شده راهبرد توسعه یکپارچه روستایی است که علاوه بر مباحث منطقه‌ای و فضایی بر محیط زیست، مدیریت، حفاظت و بهره‌برداری بهینه و منطقی از آن نیز تأکید می‌کند.

### ج) راهبرد توسعه روستایی بر مبنای جامعه اطلاعاتی

این راهبرد محور توسعه روستاها در آغاز هزاره سوم میلادی است و در آن، اطلاعات و اتصال به فناوری ارتباطات (ICT) جهت کسب آگاهی در زمینه‌های مختلف به عنوان نقطه کانونی توسعه پایدار به طور عام و توسعه پایدار روستایی به طور خاص معرفی شده است. به نحوی که شاخص توسعه روستایی کشورها در قرن ۲۱ از طریق تعیین سهم برخورداری روستاییان از اطلاعات و انواع وسایل ارتباط جمعی نسبت به تولید ناخالص ملی مشخص می‌گردد. (خاتون آبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷)

### نتیجه‌گیری

هر چند ارائه راهبردی کارآمد جهت رسیدن به توسعه روستایی مشکل است، اما دستیابی به این مهم نیز تنها با اتخاذ رویکردها و راهبردهای مناسبی که بخشهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی را شامل شود، امکان پذیر است. نظری دقیق به وضعیت جوامع روستایی، بویژه در کشورهای در حال توسعه (که معضل روستایی مربوط به آنها است)، نشان می‌دهد که این جوامع در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خدماتی، زیربنایی و کالبدی دچار نارساییهای اساسی‌اند و از ظرفی مسائل و مشکلات مربوط به محیط زیست نیز گریبانگیر آنها شده است، به علاوه راهبردهای اجرا شده در آنها نیز به دلایل مختلف از جمله تفاوت در نوع نگاه فلسفی به جهان، انسان و محیط با ناکامی روبرو بوده و نتوانسته روند توسعه آنها را پیش ببرد.

بنابراین نگاه به روستا و مسائل توسعه روستایی یک نگاه سیستمی و همه جانبه‌ای را می‌طلبد تا براساس آن بتوان نارساییهای این جوامع را برطرف کرد و از ظرفی پیوندی ناگسستنی بین آنها و محیط طبیعی‌شان ایجاد

نمود. لذا راهبرد مناسب برای نیل به توسعه روستایی، راهبردی است که پایدار و نظام یافته باشد و بر حفظ منابع و بهره برداری صحیح و منطقی از آنها تأکید کند؛ به طوری که نیازهای حال بر طرف و خللی در منافع آیندگان پیش نیارود. بعلاوه راهبردهای مختلف، نقاط قوت و ضعف خود را دارند و در ارزیابی کلی لازم است شرایط محیطی، محلی، رویکردها و اولویتهای هر منطقه برای انتخاب راهبرد توسعه روستایی مدنظر قرار گیرد.

## منابع و مآخذ

- ۱- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات چاپ سوم، تهران.
- ۲- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات چ چهارم، ویرایش ۲، تهران.
- ۳- پاپلی یزدی، محمد حسین و ابراهیمی، محمداصمیر (۱۳۸۱)، نظریه‌های توسعه روستایی، سمت، چاپ اول، تهران.
- ۴- پاپلی یزدی، محمد حسین و رجیبی سناجردی، حسین (۱۳۸۲) نظریه‌های شهرو پیرامون، سمت، چاپ اول، تهران.
- ۵- جمعه پور، محمود (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی: دیدگاهها و روشها، سمت، چاپ دوم، تهران.
- ۶- جولیا شاپلی، ریچارد (۱۳۸۰) گردشگری روستایی، ترجمه: رحمت‌اله منشی زاده و فاطمه نصیری نشر منشی.
- ۷- حامد مقدم، احمد (۱۳۷۲) نگرشی بر نظریه‌های نوین توسعه روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۸، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- ۸- حسینی ابری، سید حسن (۱۳۸۳) مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان، چاپ دوم، اصفهان.
- ۹- خاتون آبادی، سیداحمد (۱۳۸۴) جنبه‌های توسعه پایدار، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد دانشگاه صنعتی اصفهان.
- ۱۰- دیکسون، کریس (۱۳۷۶) توسعه روستایی در جهان سوم، ترجمه شاه بهختی رستمی، انتشارات پیام نور.
- ۱۱- رائو، آروی (۱۳۶۶) صنایع کوچک و اقتصاد در حال توسعه هندوستان، (ترجمه کمیته صنایع روستایی فارس، شیراز).
- ۱۲- راتن، ورنون دبلیو (۱۳۷۲) مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه عبدالعزیز هاشمی علیا، مجله روستا و توسعه، ش ۵.
- ۱۳- رجبایی، عبدالحمید (۱۳۷۳) کاربرد ژئومورفولوژی در آمایش سرزمین و مدیریت محیط، نشر قوس، تهران.
- ۱۴- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳) مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، قوس، تهران.
- ۱۵- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۶) توسعه پایدار، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۶- شریف‌النسبی، مرتضی (۱۳۶۵) جایگاه صنعت در برنامه‌ریزی روستایی کشور، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی جهاد سازندگی، تهران.
- ۱۷- شکوری، علی (۱۳۸۴) سیاستهای توسعه کشاورزی در ایران، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۸- شهابی، سیامک (۱۳۸۲) شناسایی توانمندیهای اشتغال در بخش غیرکشاورزی روستاها، فصلنامه روستا و توسعه شماره ۴، سال ۶، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.

- ۱۹- عبدالحی، حسنت (۱۳۷۳) توسعه روستایی همه‌جانبه، ترجمه علیرضا کاشانی، مجله روستا و توسعه، شماره ۱.
- ۲۰- فریدمن، جان و داکاس، مایک (۱۳۶۳) توسعه روستا شهری، مترجم عزیز کیاوند، سازمان برنامه و بودجه.
- ۲۱- گریفین، گیت (۱۳۷۵) راهبردهای توسعه اقتصادی، ترجمه: حسین راغفر و محمد حسین هاشمی، نشر نی، تهران.
- ۲۲- شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۲) توسعه و ترویج روستایی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- ۲۳- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۷۸) توسعه روستایی همه‌جانبه، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۹.
- ۲۴- لی دویوید، ام. و چودری، دی. پی (۱۳۷۰) ماهیت مسائل و رهسازندهای توسعه روستایی، ترجمه: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، گاهنامه روستا و توسعه، شماره ۳، وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- ۲۵- موسوی، مینا (۱۳۸۳) نقش اکوتوریسم در توسعه روستایی، مجله جهاد، ش ۲۶۵، انتشارات جهاد سازندگی، تهران.
- ۲۶- موسی کاظمی، سید مهدی و بیدری، سیدعلی (۱۳۸۳) جغرافیای شهری و روستا شناسی، دانشگاه پیام نور.
- ۲۷- موسی کاظمی، سید مهدی و شکوئی، حسین (۱۳۸۱) سنجش پایداری اجتماعی شهر قم، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳.
- ۲۸- مهندسان مشاور DHV، از هلند (۱۳۷۵) رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی (جلد دوم) صنعتی سازی روستاها، چارچوبی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، مترجمان: بهنام شاپوری و همکاران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی.
- ۲۹- مهندسان مشاور DHV از هلند (۱۳۷۱) رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، مترجمان: فناهی و همکاران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی.
- ۳۰- میسر، آر. پی (۱۳۶۷) راهبردهای توسعه روستایی، ترجمه: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی، وزارت جهاد سازندگی، مجله جهاد سال ۹، شماره ۱۱۵، انتشارات جهاد سازندگی، تهران.
- ۳۱- میسر، آر. پی (۱۳۶۵) توسعه روستایی و مسایل و مشکلات آن، ترجمه: علی اکبر فیاض، مجله روستا و توسعه، شماره ۱، وزارت جهاد سازندگی، تهران.
- ۳۲- نوری، سید هدایت اله (۱۳۸۵) توسعه روستایی و کشاورزی مالزی، نشریه اقتصاد و آینده، شماره (۸۲۸، ۸۳۳)
- ۳۳- هجرتی، محمد حسین (۱۳۷۹) جغرافیا و توسعه روستایی، انتشارات آبا، تهران.

34- <http://daneshnameh.roshd.ir>

## پی‌نوشت

- |                                |                                      |
|--------------------------------|--------------------------------------|
| 1- Improvement                 | 10- Agropolitan approach development |
| 2- Transformation              | 11- Friedman                         |
| 3- Basic needs                 | 12- FELDA                            |
| 4- Community Development       | 13- Integrated rural development     |
| 5- Sectoral Segregation        | 14- Waterston                        |
| 6- Industrial Fundamentalism   | 15- Techno bureaucracy               |
| 7- Agricultural fundamentalism | 16- Sustainable development          |
| 8- Sustained economic growth   | 17- Kokoyoc                          |
| 9- Sectoral nature             |                                      |